

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی

ادرك منظر كلان شهرها

مؤلف:

اندرو مكنزى

مترجمان:

دکتر علی شرقی* (عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی)

مهندس فرزانه السادات دهقان** (پژوهشگر دکتری دانشگاه هنر اصفهان)

رشناسه	: مکنزی، اندرو
عنوان و نام پدیدآور	: MacKenzie, Andrew (Landscape Architect)
مشخصات نشر	: ادراک منظر کلان شهرها/ مولف اندرو مکنزی؛ مترجمان علی شرقی، فرزانه السادات دهقان. تهران: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	: د، ۱۹۸ص:، مصور، جدول؛ ۲۹×۲۲س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۵۸۹-۵۶-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: Understanding metropolitan landscapes, 2020.
یادداشت	: کتابنامه.
عنوان دیگر	: درک مناظر شهری.
موضوع	: طراحی منظر Landscape design زیباسازی شهری Urban beautification برنامه‌ریزی شهری -- طرح و برنامه‌ریزی City planning -- Design
شناسه افزوده	: شرقی، علی، ۱۳۴۷- مترجم
شناسه افزوده	: -Sharghi, Ali, 1969
شناسه افزوده	: دهقان، فرزانه‌السادات، ۱۳۶۸- مترجم
شناسه افزوده	: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
شناسه افزوده	: Shahid Rajaei Teacher Training University
رده بندی کنگره	: ۴۵/SB۴۷۲
رده بندی دیویی	: ۲/۷۱۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۴۱۴۶۱۵
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا



دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

عنوان	: ادراک منظر کلان شهرها
ترجمه	: دکتر علی شرقی، عضو هیئت دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی مهندس فرزانه السادات دهقان، (پژوهشگر دکتری دانشگاه هنر اصفهان)
ویراستار علمی	: دکتر احمدرضا کشتکار قراتی، دکتر فاطمه جم
ویراستار ادبی	: دکتر مودت سعیدی
نوبت چاپ	: اول- زمستان ۱۴۰۲
انتشارات	: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
لیتوگرافی، چاپ	: شریف
طراح جلد	: فرزانه السادات دهقان،
ناظر چاپ	: محمد معتمدی‌نژاد
کارشناس و صفحه‌آرا	: نیره فیروزی
شمارگان	: ۱۰۰ جلد
قیمت	: ۳.۰۰۰.۰۰۰ ریال
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۵۸۹-۵۶-۷ ISBN: 978-622-6589-56-7

کلیه حقوق این اثر برای مترجمین و دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی محفوظ است.
نشانی: تهران، لویزان - کد پستی ۱۵۸۱۱-۱۶۷۸۸ - صندوق پستی ۱۶۳ - ۱۶۷۸۵ - تلفن: (۲۶۳۲) ۹ - ۲۲۹۷۰۰۶۰،
۲۲۹۷۰۰۷۰، تلفکس: ۲۲۹۷۰۰۴۲، پست الکترونیکی: publish@sru.ac.ir، وب سایت: http://publish.sru.ac.ir

تشکر و قدردانی

کتاب حاضر نتیجه نهایی سال‌ها تحقیق و آموزش معماری و برنامه‌ریزی منظر است. این کتاب در درجه اول الهام گرفته از دانشجویانم می‌باشد. من مدیون کسانی هستم که مدام مرا به چالش می‌کشیدند تا مطالبی که لازم به یادگیری‌شان بود را به گونه‌ای بیان کنم که در عمل قابل اجرا باشد. آن‌ها از کنار جزئیات و ویژگی‌های نظری مطالعات منظر به سادگی رد نمی‌شدند و انگیزه بحث‌های هدفمند را ایجاد می‌کردند. از همکاران سخاوتمندم در دنیای آکادمیک و حرفه‌ای که بازخورد ارزشمندی به من در مورد فصل‌های کتاب ارائه دادند، به ویژه استیو دوورز، گی ویلیامسون، سیسیلی مالر، فیلیپ هاچینسون و لورن پیکو، سپاسگزارم. در نهایت، به خاطر حمایت و تشویق کامل کاترینا در طول تحقیقات و نگارش این کتاب تا همیشه قدردان او هستم.

اندرو مکنزی

پیشگفتار

کتاب ادراک منظر کلانشهرها به بررسی و ارائه بازتابی از روابط اساسی بین مناطق کلان‌شهرها و منظرشان می‌پردازد. این کتاب بررسی می‌کند که چگونه طرح‌ریزی و سیاست می‌تواند به ما کمک کند تا به حفاظت، مدیریت و ارتقای مناظری که مناطق مسکونی شهری ما را حفظ می‌کنند، بپردازیم. افزایش جهانی کلان‌شهرها باعث افزایش روزافزون پویایی و بی‌نظمی^۱ مناظرها می‌شود و پراکندگی بیشتری در تمایز بین مناظرهای شهری و غیرشهری به وجود می‌آید. با این حال، این فضاها نقش مهم و فزاینده‌ای در توسعه پایدار دارند.

این کتاب یک بحث انتقادی مهم را در مورد جنبه‌های ارتباط بین شهر و مناظرهای شهری مطرح می‌کند و اینکه مرز بین هر یک از این عناصر با یکدیگر چگونه تشکیل می‌شود، همچنین پوشش دهنده موضوعاتی مانند ماهیت مادی، سیستم‌های حکمرانی، فرآیندها و سیاست‌ها است. این کتاب به ارائه مجموعه‌ای از مفاهیم و ایده‌هایی که از معماری منظر، برنامه‌ریزی، و سیاست‌های زیست‌محیطی و مدیریت منظر پدید آمده‌اند، می‌پردازد.

این کتاب با استفاده از طیف وسیعی از مطالعات موردی مصور، و با بررسی تنش‌های اساسی پیرامون مفاهیم سکونتگاه‌های پایدار، سازگاری با تغییرات اقلیمی، مهاجرت شهری، شیوه‌های جدید حکمرانی و نقش منظر در سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری در سطوح ملی، استانی و شهری، بحث‌هایی را در مورد موضوعات اصلی محرک رشد شهرها برمی‌انگیزد.

نام **اندرو مکنزی** به عنوان یک معمار منظر ثبت شده است. وی مدرس ارشد افتخاری در دانشکده محیط‌زیست و جامعه فنی، دانشگاه ملی *استرالیا* (ANU) است. اندرو دارای مدرک کارشناسی ارشد سیاست عمومی (متخصص در حقوق محیط‌زیست) و دکترای فلسفه از ANU است. او معاون مدیر کمیته ملی حمایت از موسسه معماران منظر *استرالیا* می‌باشد.

¹ - entropic

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
ب	پیشگفتار.....
خ	مقدمه.....
۱	فصل اول: امور کلان شهرها.....
۴	۱- ادراک منظر کلان شهرها.....
۵	لزوم توجه به مناظر.....
۹	اهمیت توجه به کلانشهرها.....
۱۵	نتیجه گیری.....
۱۵	منابع.....
۱۷	۲- تکامل همزمان مناظر و کلان شهرها.....
۲۰	چشم انداز آرمانشهری.....
۲۳	طرح و برنامه.....
۲۵	پیدایش مناظر کلانشهری.....
۲۷	باغ شهر.....
۳۰	منظر حومه شهر.....
۳۴	نتیجه گیری.....
۳۵	مطالعه موردی - شهر لندن.....
۳۶	منابع.....
۳۸	۳- مناظر و کلان شهرهای معاصر.....
۴۰	آنتروپوسن و سقوط طراحی نئولیبرالیسم.....
۴۲	دستور کار شهر فشرده.....
۴۶	دستور کار شهر سبز.....

زیر ساخت سبز (GI).....	۴۹
نتیجه گیری.....	۵۱
مطالعه موردی - شهر سنگاپور.....	۵۲
منابع.....	۵۵
۴- پایداری.....	۵۹
تاریخچه پایداری.....	۵۹
تفسیر اهداف توسعه پایدار.....	۶۵
چالش های برنامه ریزی منظر شهری و توسعه پایدار.....	۶۹
نتیجه گیری.....	۷۱
مطالعه موردی - شهرهای کانبرا و اتاوا.....	۷۱
منابع.....	۷۷
فصل دوم: استراتژی کلان شهرها.....	۸۱
۵- مفهوم سازی و ارزش گذاری مناظر کلان شهرها.....	۸۴
مقیاس جویی.....	۸۹
خدمات بوم محور.....	۹۳
نتیجه گیری.....	۹۶
مطالعه موردی - شهر میلان.....	۹۶
منابع.....	۱۰۱
۶- نقش حکمرانی.....	۱۰۴
مدیریت بوم محور.....	۱۰۵
رد پای اکولوژیکی.....	۱۰۵
متابولیسم شهری.....	۱۰۷
خردورزی بوم محور.....	۱۰۸
شهرسازی منظر.....	۱۰۹
شیوه های حکمرانی.....	۱۱۱
حکمرانی تطبیقی.....	۱۱۴
نتیجه گیری.....	۱۱۷

۱۱۷	مطالعه موردی - منطقه گریتر کپنهاگ
۱۲۲	منابع
۱۲۵	۷- تعیین قوانین مناظر کلان شهری
۱۲۵	تعیین قوانین رفتاری
۱۳۰	تعیین ترکیب مناسب قوانین
۱۳۲	بکارگیری اصل اثرات جانبی برای توسعه سیاست منظر شهری
۱۳۶	تجهیز خدمات بوم محور در مناظر کلان شهرها
۱۳۸	طرح‌هایی که در آن‌ها استثناپذیری و رقابت‌پذیری اعمال می‌شود
۱۴۰	نتیجه‌گیری
۱۴۱	مطالعه موردی - شهر نیویورک
۱۴۴	منابع
۱۴۷	فصل سوم: تصویرسازی کلان شهرها
۱۵۰	۸- مناظر و سلامتی
۱۵۱	محرك‌های محیطی
۱۵۴	رویکردهای سیاستگذاری
۱۵۸	اعمال یک چارچوب
۱۶۲	نتیجه‌گیری
۱۶۲	مطالعه موردی - شهر پکن
۱۶۶	منابع
۱۶۹	۹- منظر و کربن‌زدایی کلان شهر
۱۷۰	سبب‌سازی و خنک‌سازی محیط‌های شهری
۱۷۳	اثر جزیره حرارتی شهری (UHI)
۱۷۸	نتیجه‌گیری
۱۷۹	مطالعه موردی - شهر مصدر
۱۸۳	منابع
۱۸۶	۱۰- مفاهیم جدید یک کلان شهر پایدار
۱۸۶	تصویرسازی یک سیستم تاب‌آور شهری

- از کاهش تأثیرات تا پیشبرد یک دستورکار مثبت..... ۱۹۱
- یک رویکرد مبتنی بر منظر به سیاست کلان شهری..... ۱۹۵
- پذیرش حکمرانی تطبیقی برای تغییر کلان شهر..... ۱۹۶
- نتیجه گیری..... ۱۹۷
- منابع..... ۱۹۸

مقدمه

در «قرن شهری»، که بیش از نیمی از نسبت جمعیت انسانی در شهرها زندگی می‌کنند که این نسبت نیز هر روزه رو به افزایش است؛ این هم تعجب‌آور و هم تأسف‌آور است که درک ما از این سازه‌های عظیم سکونتگاه انسانی تا این حد پراکنده و جزئی است. برنامه‌ریزی و الگوی توسعه شهری ما تکه‌تکه و پراکنده است. متأسفانه، دید تحقیقات ما نیز در رشته‌ها و تخصص‌ها [آدیدی کلی نیست] بلکه یک دید تکه‌تکه و پراکنده است. برنامه‌ریزی ترانزیت به سایر برنامه‌ریزی‌های زیرساختی متصل نیست، طرح‌های فضای باز مجزا هستند و تابع برنامه‌های اقتصادی‌اند، طرح‌های زیربنایی آب و انرژی و غیره را نادیده می‌گیرند. طراحان و معماران خیلی به ندرت با یکدیگر صحبت می‌کنند، چه رسد به اینکه شاهد بحث‌های پُر بار و سازنده در مورد اکولوژی، اقتصاد، جمعیت‌شناسی، طراحی و چندین رشته کلیدی دیگر باشیم که مجموعاً ممکن است بتوانند بزرگترین پدیده تاریخ بشر یعنی شهرنشینی مدرن را توضیح دهند. مکنزی در کتاب "ادراک مناظر کلانشهرها" به ارائه پادزهری برای حل مسئله پراکندگی می‌پردازد و نکته کلیدی در حل مسئله اصطلاح ساده‌منظر می‌باشد. این اصطلاح، یک سنت را که در جغرافیای بشر محو شده است احیا می‌کند و ارزش زیادی برای مناظر به عنوان نقطه اتصال انسان و غیرانسان قائل می‌شود و این کار را با تأثیرگذاری فوق‌العاده‌ای انجام می‌دهد.

بیشتر شهرنشینان بر یک جنبه، یا در بهترین حالت، بر چند جنبه از فضای پیچیده کلان‌شهر تمرکز می‌کنند و ما بخش‌هایی را در یک زمان برنامه‌ریزی می‌کنیم و توسعه می‌دهیم. بعضی به دنبال مطالعه سیستم‌های شهری از طریق مدل‌های متابولیسم شهری و موارد مشابه‌اند و ما را یک قدم جلوتر می‌برند تا واقعیتی پیچیده‌تر را درک کنیم. اما جست‌وجو برای ادراک "منظر شهری" ما را وادار به درک چیزهای بیشتری می‌کند: محیط انسان ساخت، سیستم‌های انرژی و مصالح محور، ادراک و ارزش‌های انسانی، فرآیندهای نهادی و حاکمیتی، و از همه مهم‌تر سیستم‌های طبیعی و اکولوژیکی.

محور اصلی سفری که مکنزی ما را به آن می‌برد، مجموعه‌ای از اصطلاحات و مفاهیم قوی می‌باشد که به ندرت در متون استاندارد شهری به آن‌ها برخورد می‌کنیم - که این مورد هم جای تأسف دارد - مفاهیمی مانند زیرساخت‌های سبز، لبه‌ها و مرزها (که بسیار جالب‌تر از سازه‌هایی‌اند که به راحتی قابل بررسی و پیگیری هستند)، منابع عمومی، سلامت و انرژی. این کتاب به طور متقاعدکننده به صورت گسترده می‌تواند مطالعات شهری را بهبود و ارتقاء بخشد. موضوعات در هر فصل از طریق مطالعات موردی ابزارهای برنامه‌ریزی شهری از سراسر جهان مورد بررسی قرار می‌گیرند تا نشان دهند که دولت‌ها چگونه به مذاکره در مورد چالش‌ها پرداخته‌اند و از مزایای مناظر در تداوم برنامه‌های توسعه پایدار استفاده کرده‌اند.

اگر بیشتر افرادی که به صورت فردی و جمعی، تعمدی یا سهوی تصمیماتی می‌گیرند که شهرهای آینده ما را شکل می‌دهد، به دیدگاه مکنزی تحت عنوان تاب‌آوری، سازگاری و تغییرپذیری^۲ توجه داشته باشند، آنگاه همه ما از آن

² - resilience, adaptability and transformability

بهره‌مند خواهیم شد. یک راز وجود دارد: اندرو مکنزی برنامه‌ریز، مهندس یا معمار و یا یک جغرافیدان شهری نیست، هرچند من مورد آخر را به او نسبت می‌دهم: او یک معمار منظر و برنامه‌ریز منظر است. یکی از کسانی که بعد از نوشتن این کتاب در فرآیند توسعه فضاها نقش داشته تا فضاهای باقی مانده را سبز و پر کند. این شوخی کنایه‌آمیز وجود دارد که دیگران دور باشند تا زمانی که معمار منظر سایت را طراحی کند و قطعات را در بهترین مکان، در منظری کاملاً پیش‌بینی شده قرار دهد. این کتاب نشان می‌دهد که این ایده اصلاً شوخی نیست. (پروفسور/استیون دوورز)

فصل اول

امور کلان شهرها

بیش از نیم قرن است که چالش‌های جهانی کاهش منابع، تخریب زمین و کاهش کلی محیط‌زیست در اثر مهاجرت شهری در برنامه‌ریزی شهری و گفتمان‌های سیاست‌گذاری مطرح شده است (راهنمای بین‌المللی برنامه‌ریزی شهری و سرزمینی (UN-Habitat, 2016). علاوه بر هزینه‌ی زیست‌محیطی رشد شهر، شیوع فزاینده بیماری‌های غیرواگیر و کاهش استانداردهای سلامت روان نیز از چالش‌های اخیر جوامع شهری‌اند (Giles-Corti et al., 2014). در قرن بیست و یکم، تغذیه، حمل و نقل، مسکن و تسهیل زندگی رضایت‌بخش برای شهروندان یک معضل همیشگی سیاسی و اجتماعی است. چالش‌های پیش‌روی کشورهایی که در حال شهرنشینی‌اند با تأثیرات تغییرات آب و هوایی، فناوری‌های جدید، رشد جمعیت و مهاجرت، و کاهش اعتماد به نهادها برای مدیریت مؤثر در مواجهه با چنین چالش‌هایی، پیچیده‌تر می‌شود. دولت و جامعه مدنی به دنبال فناوری‌های جدید، رویکردهای سیاست‌گذاری و استراتژی‌های رشد برای برنامه‌ریزی و مدیریت مؤثر محیط‌های شهری خود، برای نسل‌های فعلی و آینده می‌باشد.

تأثیرات شهرنشینی جهانی است. طیف وسیعی از مسائل بین‌المللی شهری به خوبی شناسایی شده است و دستورکارهای مناسبی ارائه شده‌اند (UN-Habitat, 2011). جهان اکنون بیش از هر زمان دیگری شهری‌سازی شده و بیش از نیمی از جمعیت جهان در سکونتگاه‌های شهری زندگی می‌کنند و انتظار می‌رود این میزان تا اواسط قرن به ۷۰ درصد برسد (Angelo & Wachsmuth, 2015). کتاب *ادراک منظر کلان‌شهرها* این سؤال را مطرح می‌کند که چگونه این مناظر را در قرن بیست و یکم شناسایی، ارزیابی، برنامه‌ریزی، حمایت و تقویت کنیم. این کتاب بررسی می‌کند که منظر کلان‌شهری چیست و چه نقشی در حفظ زندگی شهری بیش از نیمی از جمعیت زمین دارد.

منابع

- Angelo, H., & Wachsmuth, D. (2015). Urbanizing urban political ecology: a critique of methodological cityism. *International Journal of Urban and Regional Research*, 39(1), 16–27.
- Giles-Corti, B., Badland, H., Mavoa, S., Turrell, G., Bull, F., Boruff, B. & Thackway, S. (2014). Reconnecting urban planning with health: a protocol for the development and validation of national liveability indicators associated with noncommunicable disease risk behaviours and health outcomes. *Public Health Research & Practice*, 25(1), 1–5.
- UN-Habitat. (2011). *State of the world's cities 2010/2011: bridging the urban divide*.
- UN-Habitat. (2016). *New Urban Agenda: Quito declaration on sustainable cities and human settlements for all*.

۱- ادراک منظر کلان‌شهرها

به نظر می‌رسد اصطلاح «شهر» برای توصیف کامل تجربه ما از زندگی شهری و نقشی که مناظر ایفا می‌کنند کافی نباشد. مناظری که محیط ساخته شده را، با شاخک‌هایی که تا مناظر دوردست پیرامون شهر که در میان روستا و شهرند می‌رسند، به هم پیوند می‌دهند؛ شبکه‌هایی از فضاها، سیستم‌ها و فرآیندهایی‌اند که به طور نزدیک با دستگاه عملکردی که ما آن را کلان‌شهر می‌نامیم، مرتبطند. چنین مناظری شایسته بررسی انتقادی‌اند. آن‌ها سیستم‌ها و زیرساخت‌های فنی-اجتماعی طراحی شده برای جابجایی کالاها، خدمات، اطلاعات، انرژی و افراد را در خود جای داده و پشتیبانی می‌کنند. با این حال، منظری که از کلان‌شهر حمایت می‌کند توسط [خود] کلان‌شهر آسیب دیده است. رشد شهری مسئول تکه‌تکه شدن زیستگاه‌ها، کاهش گونه‌ها، چرخه‌های بیوشیمیایی تغییر یافته و تغییر بسیاری از کاربری‌های زمین در خارج از محدوده‌های شهری است (Waldheim, 2006). مناظر شهری توسط چندین نهاد سیاسی، آژانس‌ها، شرکت‌های خصوصی، جوامع و افراد مدیریت می‌شوند. آن‌ها نه تنها توسط تلاش جمعی شهروندان ساکن در شهر شکل می‌گیرند، بلکه عمیقاً تحت تأثیر نیروهای اجتماعی، فنی و محیطی پویا، که از مرزهای متعارف سکونتگاه شهری فراتر می‌روند، قرار می‌گیرند (Bosselmann & Ruggeri, 2007).

این کتاب به بحث در مورد این مطلب می‌پردازد که رابطه تنگاتنگی بین کیفیت مناظر و کیفیت زندگی شهری در طیف وسیعی از مقیاس‌ها وجود دارد. بنابراین کیفیت منظر باید مورد بررسی قرار گیرد و در تدوین سیاست کلان‌شهر و برنامه‌ریزی و مدیریت منظر ادغام شود.

پیش‌فرض کتاب *ادراک منظر کلان‌شهرها* این است که جایگاه منظر را در حاکمیت و سیاست شهری در مقیاس کلان‌شهری بررسی نماید. معمولاً سیاست، زمینه مطالعاتی برای دانشجویان رشته طراحی فضا، برنامه‌ریزی و علوم محیطی نیست. اغلب سیاست به عنوان زمینه مطالعاتی حوزه اقتصاد، علوم سیاسی و مدیریت در نظر گرفته می‌شود، سیاست را می‌توان موضوعی انتزاعی و غیرعملی در نظر گرفت و به نظر می‌رسد با حوزه کاربردی طراحی شهری و معماری منظر بی‌ارتباط باشد. با این حال، سیاست، طراحی و مدیریت دارای اشتراکاتی در برخی مفاهیم پایه‌ای می‌باشند. به بیان ساده، سیاست عبارت است از حل مسئله با استفاده از ابزارهایی که برای تأثیرگذاری بر رفتار، تخصیص و تنظیم و مدیریت استفاده از منابع کمیاب و سرمایه‌گذاری مستقیم صورت می‌گیرد.

در این صورت چگونه متخصصان طراحی و برنامه‌ریزی می‌توانند در بحث و گفتگو در مورد سیاست شرکت کنند؟ این فرض را در نظر بگیرید که معمار منظر و شهرساز به بررسی یک مشکل، طرح یا گزارش کوتاه، با قراردادن آن موضوع در یک بافت فضایی یا مفهومی می‌پردازند. ما مسئله را از نمای دور و نزدیک بصورت ذهنی ارزیابی می‌کنیم، موضوع را در مقیاسی دقیق مورد بررسی قرار می‌دهیم و سپس آن را در بافتی با مقیاس وسیع قرار می‌دهیم. این آزمایش ذهنی در هنگام بررسی سؤالات مربوط به خط مشی و سیاست مطرح شده در این کتاب به همان اندازه قابل استفاده است. روایت قرن بیستم در مورد برنامه‌ریزی و طراحی شهری از کل مناطق گرفته تا میدان‌های عمومی، از نمای دور و نزدیک مورد بررسی قرار گرفته است. در اصل، مناظر، شرح حال‌ها و طرح‌های گذشته، نمونه‌هایی‌اند که دیدگاه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آن زمان را منعکس می‌کنند. به عنوان مثال طرح‌های برنامه‌ریزی بلندپروازانه، اما اغلب ناقص دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ ایالات متحده و بریتانیا را در نظر بگیرید که دورنمای آن‌ها تا مقیاس کلان‌شهری بزرگنمایی شد در حالی که منطق جنبش «شهرسازی جدید» از روستای پست مدرن در دهه ۱۹۹۰ تا حد مقیاس انسانی بزرگنمایی شد. بزرگنمایی هر دوره انعکاس دهنده تمایلات اجتماعی، اضطراب‌ها و جاه‌طلبی‌های آن زمان بوده و در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های شهر منعکس شده است.

لزوم توجه به مناظر

این کتاب به بررسی چالش‌هایی می‌پردازد که مناظر را در رأس مشکلات سیاست‌گذاری در کلان‌شهر قرن بیست و یکم قرار می‌دهد. ما با استفاده از مطالعات موردی از سراسر جهان، به بررسی برنامه‌ها و طرح‌هایی می‌پردازیم که مشخصه‌های مناظر در آن‌ها با تدوین برنامه‌ریزی و سیاست در مقیاس کلان‌شهر نشان داده شده است. تصمیم‌گیرندگان به طور کلی این موضوع را تشخیص می‌دهند که مشکلات پیش روی یک سیاره که شهرنشینی در آن در حال افزایش می‌باشد نیازمند رویکردهای جدید برای برنامه‌ریزی و مدیریت است. با این حال، هرچند این مشکلات جهانی به نظر می‌رسند، اما پاسخ به آن‌ها از نظر فرهنگی و جغرافیایی، وابسته به بافت و شرایط خاص آن‌ها است. هر منطقه شهری منحصر به فرد است و سیاست‌های متناسب با موضوعات مورد بحث، به مراتب سازمانی، نگرش‌های فرهنگی، سطح منافع شهروندان و بسیاری از عوامل دیگر بستگی دارد (Campbell & Corley, 2012). به همین ترتیب، شهرها تاریخچه برنامه‌ریزی خودشان را دارند که وابستگی مسیر و اینرسی ایجاد می‌کنند که خنثی کردنشان دشوار است (Wilson, 2014). این موضوع برای معماران منظر، برنامه‌ریزان و طراحان شهری آموزنده است، زیرا ما مدعی هستیم هر روز نقش بیشتری در حل مشکلات ایجاد شده توسط مهاجرت جمعیت زمین به سکونتگاه‌های شهری و چالش‌های متعدد اجتماعی و زیست‌محیطی مرتبط با گرمایش جهانی ایفا می‌کنیم.

به نظر می‌رسد نقش منظر و عاملیت متخصصان طراحی و برنامه‌ریزی شهری در آنچه به عنوان رقابت برای مشروعیت قانونی در دستور کار شهری قرن بیست و یکم در نظر گرفته می‌شود، در هم تنیده شده است. از نظر سیاسی، ربع پایانی قرن بیستم شاهد احیای مجدد عناصر رویکرد لایسز فر^۱ قرن نوزدهم در گسترش شهری بود که نسبت به سیستم‌های برنامه‌ریزی دولتی در اولویت قرار داشت که با همه ایرادات خود، برای بهبود توسعه منظم و حمایت از شهروندان در برابر نابرابری‌های اجتماعی عمیق در شهرهای صنعتی بی‌ضابطه ایجاد شده بودند (Gleeson, 2006). منتقدان برنامه‌ریزی متمرکز، که در رأس آن‌ها بازاریان آزاد قرار داشتند، بر این باور بودند که مکانیسم‌های جبرگرا و فلسفه مبتنی بر فناوری معماری و شهرسازی پس از دوره جنگ، جاه‌طلبی‌های دولت مدرن را ناکام گذاشته است. این موضوع، همراه با کاهش بودجه مقامات برنامه‌ریزی دولتی، و واگذاری قدرت برنامه‌ریزی به منافع بخش‌های خصوصی تحت پوشش اصلاحات نئولیبرالی تا حد زیادی دلیل تکه‌تکه شدن و خصوصی‌سازی مسئولیت بخش برنامه‌ریزی در غرب بوده است (Thompson, 2007). به تعبیری، منظر شهری اشاره به حرفه برنامه‌ریزی دارد که در ۴۰ سال گذشته به اشکال مختلف از هم پاشیده و خصوصی‌سازی شده است.

همزمان با ایفای نقش غیرقابل جایگزین دولت در برنامه‌ریزی، برنامه سیاست شهری بر روی دهکده شهری فرضی متمرکز شد و به طرح‌های کلان‌دوران پس از جنگ پشت کرد. از زمان انتشار کتاب جیبی عابر پیاده (Kelbaugh, 1989)، اشتیاق جدیدی مجدداً برای شهرسازی تمرکز یافته در مقیاس روستا شکل گرفت و امروز نیز ادامه دارد تا مجدداً بر روی اقداماتی جهت برقراری پیوند مجدد بین برنامه‌ریزی و طراحی شهری با تجربه انسانی زندگی شهری تمرکز کند. اگر بازم تمرکز کنیم می‌توانیم ببینیم که اعلامیه اخیر عصر آنتروپوسن^۲، جدیدترین موضوعی است که روی سیاره‌ی در حال گرایش به شهرنشینی ما قرار گرفته است. این موضوع تنها دربرگیرنده یک نمونه خاص شهری

^۱ - laissez-faire: [در این سبک، مدیریت رویکردی غیر مستقیم به رهبری دارد. به افراد اطمینان می‌گردد که کار خود را بدون نظارت انجام می‌دهند. مدیریت در مراحل واگذار کردن و تحویل کار حضور پیدا می‌کند، اما در غیر این صورت عقب‌نشینی می‌کند و به افراد این آزادی را می‌دهد که گردش کار و نتایج خود را کنترل کنند.]

^۲ - Anthropocene: [آنتروپوسن یک دوره غیر رسمی زمان است که نشان‌دهنده گذشته و حال طبیعت و اثرات فعالیت‌های انسانی بر روی آب و هوا و محیط زیست و در کل سیستم زمین است.]

تحت این عنوان نمی‌باشد بلکه دربرگیرنده نگرانی‌هایی در مورد این مسئله است که ما به عنوان یک گونه انسانی چگونه منابع را با سرعت فوق‌العاده زیادی مصرف کرده‌ایم که عمدتاً به خاطر افزایش ثروت و شهرنشینی جهانی بوده است (Steffen, Broadgate, Deutsch, Gaffney, & Ludwig, 2015). محور اصلی موضوعات علمی مورد بررسی در این دوره جدید که آنتروپوسن نامیده می‌شود، تأثیر تولید سریع کالاها و خدمات و انباشت زباله است. ما به عنوان تصمیم‌گیرندگان باید نقش زندگی شهری را در آینده از نظر ادامه‌ی زوال زیست‌محیطی و اثرات آن بر نسل‌های آینده درک کنیم (Hann, 2017).

پاسخ‌ها و واکنش‌های سیاسی معاصر به شهرنشینی از دهکده شهری گرفته تا آنتروپوسن، نشان دهنده‌ی بحران‌های اساسی‌اند که تصمیم‌گیرندگان با آن‌ها مواجه هستند. به نظر می‌رسد، متخصصان محیط‌های ساخت باید با مقیاس‌های مورد نظر که بر اساس متر مربع و دوره‌ها اندازه‌گیری می‌شوند، کنار بیایند. با ترکیب چالش‌های پیش روی برنامه‌ریزان و طراحان، لازم است که همزمان نیازهای انسان و سیاره را در نظر بگیریم. اگر یک نمونه منظر را در نظر بگیریم، چگونه می‌توانیم تقاضا برای سکونتگاه‌های متراکم در مقیاس روستایی را در شهرها را برآورده کنیم و در عین حال به حفظ پوشش گیاهی کافی برای کاهش اثرات زیست‌محیطی مانند تأثیر جزیره گرمایی شهری بپردازیم؟ چگونه مناظر می‌توانند به طور مؤثری ما را تأمین کنند، سلامت ما را حفظ کنند، کربن را جذب کنند و به تصفیه هوا و تأمین آب باران برای ما کمک کنند؟

هیچ تعریف واحدی از منظر وجود ندارد که بتوانیم بر اساس آن به ارائه یک مفهوم مطلق بپردازیم (Wylie, 2007) و خود این مسئله چالش‌ها و فرصت‌هایی را به وجود می‌آورد که در این کتاب بیشتر مورد بحث قرار گرفته است. در معماری منظر، استعاره‌ها از ابزارهای ادبی متداولی‌اند که برای کشف ویژگی‌های ضمنی و ناملموس منظر استفاده می‌شوند. به عنوان مثال، پالیمپست^۱، چگونگی تکامل مناظر در طول زمان را توصیف می‌کند و در طول دوره‌های مختلف مثل یک کاغذ پوستی در سراسر سطح زمین قرار می‌گیرد (Bailey, 2007). پالیمپست به جای توصیف ویژگی‌های فیزیکی جداگانه مانند درختان، خاک و آب، ذهن را به فرآیندهای متقابل و نیروهای طبیعی فرا می‌خواند. همچنین الهام بخش تداوم، حفاظت و نگهداری است. پالیمپست در عین حال احساسی و تحلیلی است. مناظر، مانند پالیمپست (لایه نگاری)، بصورت ملموس و ناملموسند، و این به ما نشان می‌دهد که ابهاماتی در تعریف و تجهیز مناظر به منظور اهداف سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی وجود دارد. با این حال، داشتن یک سری اصطلاحات منظر شهری برای بررسی روابط متقابل بین این مناظر و محیط ساخت اطراف آن در مقیاس‌های متعدد ضروری است. درک اینکه چگونه این رابطه بر طیفی از نیروهای اجتماعی، اقتصادی و محیطی که سکونتگاه‌های شهری ما را شکل می‌دهند تأثیر می‌گذارد و تحت تأثیر آن‌ها قرار می‌گیرد، حائز اهمیت است. این موضوع یک موضوع تکرار شونده است. با این حال، برای اهداف این کتاب، به ارائه تعاریفی نیاز می‌باشد.

شاید کنوانسیون منظر اروپا جامع‌ترین اقدامی باشد که برای ارائه یک تعریف واحد از منظر جهت توسعه سیاست و خط مشی صورت گرفته است. برای این کنوانسیون برخی مفاهیم کلیدی نوشته شده است که البته برای حوزه شعر، هنر و طراحی بسنده نمی‌کند. کنوانسیون منظر اروپایی دو تعریف گسترده و آموزنده را بیان می‌کند که برای این تحقیق مفید است. ماده 1a در این کنوانسیون تصریح می‌کند که «منظر به معنای منطقه‌ای است که به درک مردم دارای مشخصه‌هایی است که نتیجه کنش و تعامل عوامل طبیعی و/یا انسانی است» (ماده 1b) «سیاست منظر» را با عنوان اصطلاحی بیان می‌کند که دربرگیرنده سیاست مقامات دولتی ذی‌صلاح از اصول کلی، استراتژی‌ها و

^۱ - Palimpsest: [نسخه خطی یا قطعه نوشتاری که نوشته اصلی روی آن پاک شده تا جایی برای نوشتن بعدی باشد؛ اما آثاری از آن باقی مانده است].

دستورالعمل‌هایی می‌باشد که امکان اتخاذ تدابیر خاص با هدف حفاظت، مدیریت و برنامه‌ریزی مناظر را فراهم می‌سازد» (Council of Europe, 2000). این دو تعریف در کنار یکدیگر، ما را تشویق می‌کنند تا در مورد فرآیندهای فیزیکی و سیاسی، جریان‌ها و نیروهایی که روی مناظر تأثیر می‌گذارند و آن‌ها را شکل می‌دهند و نقشی که تصمیم‌گیرندگان در تعیین چگونگی ارزش‌گذاری، مدیریت و ارتقای مناظر از طریق سیاست‌ها، استراتژی‌ها و اقدامات برای تغییر ایفا می‌کنند، فکر کنیم.

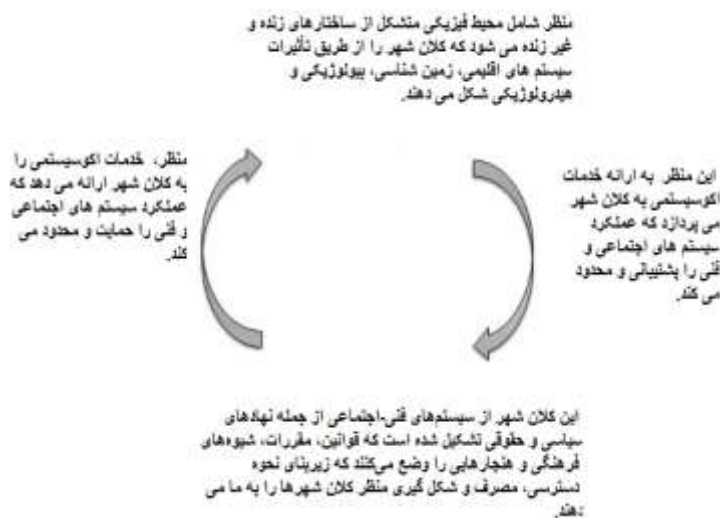
به نظر می‌رسد که مناظر همه جا هستند، در واقع با توجه به انواع گونه‌شناسی‌ها، بافت‌های محیطی و تفاسیر فرهنگی از فضاهای ساخته نشده که منظر شهری را تشکیل می‌دهند می‌توان خود کلان‌شهر را یک منظر در نظر گرفت (Antrop, 1998). ماتسوکا و کاپلان (2008) طیفی از گونه‌شناسی‌های مختلف منظر را توصیف می‌کنند که در زمینه سیاست و توسعه بررسی شده‌اند. آن‌ها از پشت بام‌ها، باغ‌های خصوصی و محله‌های مسکونی گرفته تا مسیرهای سبز، پارک‌ها، جنگل‌های شهری، مزرعه‌های کوچک، مزارع فشرده و حوضه‌های آبریز منطقه‌ای را شامل می‌شوند. این تنوع و گوناگونی انواع مناظر، طیفی از فرصت‌ها و چالش‌ها در اختیار تصمیم‌گیرندگان قرار می‌دهد تا هنگام تفکر در مورد اینکه چگونه این فضاها باید برنامه‌ریزی و مدیریت شوند تا به نفع جمعیت شهرنشین باشد، مدنظر گرفته شوند. در نظر گرفتن نمای دور و نزدیک جهت بررسی این سؤالات خط مشی و سیاست در طیف وسیعی از مقیاس‌ها می‌تواند یک نقطه شروع منطقی برای تصمیم‌گیرندگان باشد.

جهت بررسی بیشتر مسئله منظر شهری، باید در نظر بگیریم که مقیاس چگونه به ما این امکان را می‌دهد تا درک درستی از موضوعات و برنامه‌های سیاستی که بر تعاملات بین ساختارهای ساخته‌شده و ساخته نشده‌ای که کلان‌شهر می‌نامیم تأثیرگذارند و تحت تأثیر آن‌ها قرار می‌گیرند؛ داشته باشیم. مقیاس یک موضوع تکرار شونده در این کتاب است و به دو روش کاملاً متفاوت در نظر گرفته شده است. مقیاس فضایی، به معنای وسعت زمین مورد نظر، تفسیر متداول‌تری است که برنامه‌ریزان و معماران منظر با آن آشنا هستند. مقیاس فضایی ملموس و قابل اندازه‌گیری است. ما مقیاس را از نظر گرافیکی به این صورت به عنوان یک چندضلعی بر روی نقشه توصیف می‌کنیم. می‌توانیم این مقیاس را با درجه بالایی از دقت اندازه‌گیری کرده و نمایش دهیم. دومین بررسی انجام شده از مقیاس برگرفته از مفهوم "مقیاس مورد توجه" یا "مقیاس کانونی" واکر و سالت (2012) (p. 15) می‌باشد. مقیاس کانونی صرفاً به معنای مقیاس یک مسئله یا سؤال است که اکثر افراد ذینفع آن را درک می‌کنند و نگران آن هستند. برخلاف مقیاس فضایی، مقیاس کانونی با موضوعات مورد توجه مشخص می‌شود و به وسیله‌ی چند متغیر از جمله وسعت زمین تعریف می‌شود اما محدود به این یک مورد نمی‌شود. به عنوان مثال، تصمیم‌گیرندگانی که نگران سیستم‌های غذای شهری‌اند، مقیاس متفاوتی از توجه تصمیم‌گیرندگان به مسئله تأمین آب آشامیدنی یا اثر جزیره گرمایی شهری خواهد داشت. بر خلاف مقیاس فضایی، درک مقیاس کانونی بدون درک عوامل تأثیرگذار از متغیرهای مقیاس بالاتر (مانند سیاست محیطی ملی) و تأثیرات مقیاس کوچک‌تر (مانند نقش گروه‌های اجتماعی) امکان‌پذیر نیست (Walker & Salt, 2012). مقیاس کانونی یک مقیاس پویا می‌باشد و نیاز به یک تعریف خاص و ویژه را از میان برمی‌دارد، با این حال برای ادامه مسیر این تحقیق باید این دو تفسیر از مقیاس متقابلاً با یکدیگر در نظر گرفته شوند. مقیاس فضایی برای نمایش دقیق‌ترین مقیاس گرافیکی استفاده می‌شود و برای به دست آوردن توافق بین افراد ذینفع و رسیدن به یک درک مشترک از نحوه ارائه یک مسئله‌ی مربوط به سیاست و خط مشی، ضروری می‌باشد. این موضوع با جزئیات بیشتری در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته است و هنگام بررسی سؤالات مربوط به نقش سیاست‌های منظر در یک منطقه کلان‌شهر مفید می‌باشد.

بی‌شک صرف نظر از مقیاس مکان مورد توجه، در ایجاد سکونتگاه‌ها، وابستگی‌های متقابل قوی بین این منظر و شهروندان شهری وجود دارد که از مزایای محیط طبیعی بهره می‌برند. وقتی این رابطه را در مقیاس کلان‌شهری در نظر می‌گیریم، می‌توانیم به لایه‌هایی از تعامل بین نهادها و سیستم‌ها فکر کنیم. لایه فیزیکی، کلان‌شهر و مناظر اطراف، ترکیبی پویا و تکه‌تکه از ساختارهای ساخته شده و ساخته نشده‌اند (Antrop, 2004). این لایه فیزیکی با لایه اجتماعی که شامل نهادهایی برای حکمرانی و تصمیم‌گیری است، تعامل دارد. آن‌ها لزوماً محدود به یک منطقه فیزیکی نیستند، بلکه سازمان‌ها و شبکه‌های اجتماعی را نیز در بر می‌گیرند. با در نظر گرفتن تعامل بین سیستم فیزیکی و سیستم اجتماعی، ما شروع به مدنظرگرفتن این موضوع می‌کنیم که مناظر بین این دو حوزه تغییر می‌کند و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی را مانند یک پالمپست در فضای فیزیکی ثبت می‌کنند. (شکل ۱) یک توصیف نظری از تعاملات فیزیکی و اجتماعی و وابستگی‌های متقابل بین حوزه‌های فیزیکی و اجتماعی است. در این مدل می‌توانیم مشاهده کنیم که این منظر هم خدمات بوم محور را تأمین می‌کند (مانند آب و هوای پاک، غذا، سایه، فرصت‌هایی برای تفریح و تعامل اجتماعی، غنی‌سازی فرهنگی) و هم ساختارها و فرآیندهای شهری را محدود می‌کند (محدودشده به اقلیم، خاک، توپوگرافی، زمین‌شناسی و مجموعه‌های گیاهی). به همین ترتیب، نهادهای اجتماعی محیط را شکل می‌دهند که به نوبه خود بر عملکرد بوم محور کلان‌شهرها و فرآیندهای منظر تأثیر می‌گذارد.

وابستگی متقابل بین فرم‌های ساخته شده و ساخته نشده، دستورکار سیاست منظر را پیچیده‌تر می‌کند، زیرا منافع و اولویت‌های رقیب در فرآیند سیاسی نقش دارند. ایجاد فضای سبز شهری شاید دقیق‌ترین ایدئولوژی برای توصیف چگونگی تجهیز مناظر در تدوین برنامه‌ها، سیاست‌ها و استراتژی‌های توسعه پایدار باشند و در عین حال، همانطور که در این کتاب خواهیم دید، حتی کلمه سبز از نظر سیاسی بحث‌برانگیز است.

برای بازکردن بیشتر نکات سیاسی ظریف پیرامون نقش سیاست منظر، می‌توان تصور کرد که چگونه منظر شهری را می‌توان از دیدگاه تصمیم‌گیری تفسیر کرد. زمانی که منظر از بعد برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در نظر گرفته می‌شود، می‌توان آن را به طور کلی با عنوان دو عملکرد به ظاهر متضاد توصیف کرد. یک تفسیر محافظه‌کارانه از عملکرد منظر تأکید دارد بر حفاظت از ارزش‌های منظر، فضاها، انواع و ویژگی‌های میراث، و به طور ضمنی، رویه‌ها و آیین‌های فرهنگی کاربرانی که آن منظر را شکل می‌دهند. این رویکرد بر وابستگی‌های مرسوم، انجمن‌های غیررسمی و تعاملات بین جوامع و منظر تأکید دارد (Olwig, 2005).



شکل ۱ مدل ذهنی منظر به عنوان مجموعه‌ای از تعاملات بین سیستم‌های بیوفیزیکی، نهادهای اجتماعی-سیاسی و هنجارهای فرهنگی.